



گشایش برای دیپلماسی شخصی

مذاکرات ایران و آمریکا در چه شرایطی موفق خواهد شد؟

کارزار فشار حداکثری که او مجدداً احیا کرده است، مشخص بود. اما برای رسیدن به ثمره دیپلماتیک، ترامپ باید به جای اینکه در پی تسلیم شدن کامل ایران برود، دنبال اهداف قابل دستیابی باشد. مقام‌های ایرانی باور دارند که تنهای چیزی که از تحمل محرومیت خطرناک‌تر است، تسلیم شدن در مقابل مطالبه‌های حداکثری آمریکا است. معنایش این نیست که فشار در دیپلماسی با ایران جایی ندارد. ایران برای مذاکره با دولت ترامپ نسبت به مذاکره با دولت بایدن علاقمندتر است، از یک سو به این دلیل که اثر انباشته تحریم‌ها وضعیت اقتصادی ایران را در شرایط وخیمی قرار داده است و از سوی دیگر به این دلیل که ایران از هر زمان دیگری در چند دهه گذشته آسیب‌پذیرتر است. ۱۸ ماه جنگ با اسرائیل باعث تضعیف شدید شبکه متحدان ایران شده است و ساختار دفاع هوایی ایران هم تضعیف شده است. اما فشار آمریکا باید با هدف‌های واقع‌گرایانه پیوند بخورد. در هر صورت باید به یاد داشت که توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ فقط به این دلیل به دست نیامد که تحریم‌های بیشتر ایران را تحت فشار قرار داده بود، بلکه به این دلیل هم بود که آمریکا آمادگی داشت مادمی که ذخایر اورانیوم و پلوتونیوم ایران به شکل قابل توجهی کاهش پیدا کند و برنامه هسته‌ای ایران تحت نظارت شدید باشد، مطالبه‌اش را برای تعطیلی کامل برنامه هسته‌ای ایران کنار بگذارد. اگر ترامپ واقعاً علاقمند باشد که توافقی با ایران امضا کند، درست مثل ایران باید آماده باشد که تا حدی کوتاه بیاید. برای مثال ترامپ باید آمادگی داشته باشد که اجازه بدهد به ازای مرتفع شدن بخشی از تحریم‌ها، از جمله آزادی تجارت نفتی و دسترسی به دارایی‌های خارج از کشور، ایران همچنان بخشی از برنامه هسته‌ای و موشکی‌اش را حفظ کند. در غیر این صورت گفت‌وگوها ممکن است شکست بخورد و باعث جنگ منطقه‌ای شود که هیچ‌کس به آن علاقمند نیست و قطعاً خلاف منافع آمریکا است.

شمارش معکوس

توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ ایران هر چند که پیچیده بود، اما به نسبت بر مبنای معامله ساده‌ای بنا شده بود. جمهوری اسلامی ایران ترتیباتی برای محدودیت و شفافیت در برنامه هسته‌ای خود پذیرفت و به ازای آن از رفع شدن

مقام‌های ایرانی و آمریکایی روز شنبه ۲۳ فروردین گفت‌وگوها برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران را از سر گرفتند. این گفت‌وگوها پس از آن آغاز شد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا اوایل ماه مارس نامه‌ای برای [آیت‌الله] علی خامنه‌ای، رهبر معظم ایران، ارسال کرد و در آن پیشنهاد مذاکره را مطرح کرد. پیش از آغاز این گفت‌وگوها، ترامپ در جمع خبرنگاران گفت: «یک ملاقات بسیار بزرگ در پیش رو داریم. خواهیم دید که چه خواهد شد.» شواهد زیادی وجود دارد که براساس آنها بتوان به توفیق این اقدام ترامپ امیدوار بود. رئیس‌جمهور آمریکا علاقمندی تقریباً غریزی به معامله‌گری دارد و گفته است که قصد دارد ایران را به لحاظ اقتصادی پررونق کند اما شواهدی هم وجود دارد که باعث وحشت‌زدگی می‌شود. هم‌زمان با اینکه ترامپ مسیر گفت‌وگو را پذیرفته است، مقام‌های آمریکایی در حال تشدید فشار بر تهران هستند. دولت ترامپ اجرای تحریم‌ها را با هدف ورشکسته کردن ایران تشدید کرده است و حملات هوایی به حوثی‌های تحت حمایت ایران در یمن انجام می‌دهد. خود ترامپ هم یک مهلت کوتاه مدت دوماهه به ایران داده است که به یک توافق بر سر برنامه هسته‌ای برسد. او به وضوح تهدید کرده است که اگر دوطرف در رسیدن به توافق شکست بخورند، به ایران حمله نظامی خواهد کرد. هیچ‌کس نباید به جنگی میان ایران و آمریکا علاقمند باشد. اگر آمریکا به تاسیسات هسته‌ای ایران حمله کند، ممکن است نتواند به صورت موقت برنامه هسته‌ای ایران را به عقب براند. ایران نیز بلافاصله با حملات منطقه‌ای خودش واکنش نشان خواهد داد و بیش از پیش خاورمیانه را وارد هرج و مرج خواهد کرد. به همین دلیل است که دونالد ترامپ گفته بود: «همه توافق دارند؛ که توافق کردن بر آن کاری که همه از آن خبر دارند، ترجیح دارد.»

اما شروع کردن گفت‌وگوها یک مسئله است، رسیدن به یک توافق یک مسئله دیگر. تردیدی وجود ندارد که ترامپ می‌تواند شمشیر آخته درد شدید اقتصاد به ایران وارد کند. این موضوع چه در دور نخست ریاست جمهوری ترامپ و چه در

عکس: TheNewYorkTimes



فرصت مجدد برای خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای

بهترین توافق در حال حاضر منجمد کردن برنامه هسته‌ای ایران در وضعیت فعلی است

از صحت و سقم این ادعاهای متناقض، سال ۲۰۱۵ این فرصت ایجاد شد که برنامه هسته‌ای ایران کنترل شود. این آمریکا بود که نهایتاً از این توافق خارج شد. ناپود کردن توافق که از سوی جناح میانه‌رو نظام ایران، اتحادیه اروپا و دولت اوباما حمایت می‌شد، باعث شد ایران بتواند توافقی‌های ویژه پادمانی با آژانس را کنار بگذارد و شتاب تلاش‌هایش برای کاهش زمان فرار را بیشتر کند. واقعیت امروز این است که در طول یک دهه گذشته، زمان فرار به شکل چشمگیری کاهش پیدا کرده است و ایران اکنون در موقعیتی قرار دارد که اگر اراده کند در مدت کوتاهی می‌تواند چند سلاح هسته‌ای بسازد. البته مسئله اراده اهمیت دارد، چرا که موضع رسمی رهبر معظم ایران این است که شرع اسلام به دست آوردن سلاح هسته‌ای را منع می‌کند.

سال‌های پریاهو

ایران برنامه هسته‌ای‌اش را بلافاصله بعد از انقلاب ۱۹۷۹ از صفر شروع نکرد. برعکس، برنامه هسته‌ای ایران با تشویق ایالات متحده اواخر دهه

لازم برای ساخت سلاح هسته‌ای) بدون ساخت یک سلاح بوده است. من شخصاً این موضوع را از مقام‌های بلندپایه ایرانی در دوران مذاکرات هسته‌ای که سال ۲۰۱۵ به برجام منتهی شد، شنیدم. مقام مذکور به من گفته بود که در آن زمان اگر تهران از پیمان عدم اشاعه (NPT) خارج می‌شد و تصمیم به ساخت سلاح می‌گرفت، ایران تا ۱۵ تا ۱۸ ماه با تولید یک سلاح هسته‌ای فاصله داشت.

ایران می‌گوید بعد از اینکه برخی از تاسیسات و دانشمندان هسته‌ای‌اش که بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از آنها بازرسی یا با آنها مصاحبه کرده بودند، هدف حملات خرابکارانه و تروریستی قرار گرفتند، ترجیح می‌دهد برخی از اقداماتش را به آژانس اعلام نکند. تهران نهادهای اطلاعاتی غرب و اسرائیل را متهم اصلی این حملات تروریستی و خرابکارانه می‌داند. از سوی دیگر اسرائیل، آمریکا و مجموعه غرب، ایران را متهم می‌کنند که همواره دنبال سلاح هسته‌ای بوده است که با استفاده از آن اسرائیل را نابود کند، نفوذ ایران را گسترش دهد و انقلاب شیعی خود را به سراسر خاورمیانه صادر کند. فارغ

معزز احمدین خلیل
نماینده پیشین مصر
در سازمان ملل متحد

بازخوردهای مثبت از دور نخست مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و ایالات متحده آمریکا در مسقط، پایتخت عمان، بار دیگر فرصت را برای مهار کردن جنبه نظامی برنامه هسته‌ای ایران احیا کرده است. یک توافق در عین حال می‌تواند در ادامه مسیر تلاش‌ها را برای خلع سلاح در خاورمیانه و ایجاد یک منطقه عاری از سلاح هسته‌ای هموار کند. در یک مقیاس وسیع‌تر حتی ممکن است مسئله توانمندی‌های موشکی واسطه‌پرتابی ایران هم حل و فصل شود. بر اساس گزارش‌های اخیر رسانه‌ای، ایران به مرحله‌ای رسیده است که در عرض یک هفته می‌تواند سلاح هسته‌ای بسازد. هدف تهران از ابتدای ایجاد برنامه هسته‌ای‌اش کاهش دادن «زمان فرار» (زمان

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



دولت ترامپ و برنامه هسته‌ای عربستان سعودی

کریس رایت، وزیر انرژی ایالات متحده آمریکا، در سفر ۱۳ آوریل خود به عربستان سعودی که به‌عنوان پیش‌زمینه سفر میانه‌ماه مه‌دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به منطقه خلیج فارس انجام شد، اعلام کرد که توافق اولیه برای همکاری واشنگتن و ریاض در صنعت هسته‌ای غیرنظامی حاصل شده است. او تأکید کرد که دو کشور در «مسیری» برای رسیدن به توافق قرار دارند و جزئیات بیشتر توافق اواخر سال میلادی اعلام می‌شود. رایست احتمالاً با توجه به نگرانی‌ها در مورد مخاطرات اشاعه تسلیحات هسته‌ای، تصریح کرد که «این توافق قطعاً در چارچوب ۱۲۳ خواهد بود.» این اظهارنظر به بند ۱۲۳ قانون انرژی اتمی آمریکا (مصوب ۱۹۵۴) برمی‌گردد به اینکه تصریح دارد پیش از آنکه نهادها و شرکت‌های آمریکایی وارد همکاری برای راه‌اندازی صنعت هسته‌ای یک کشور شوند، پادمان‌های رسمی برای جلوگیری از اشاعه تسلیحات هسته‌ای در نظر گرفته شود. نسخه «استاندارد طلایی» از توافقنامه ۱۲۳ به صورت مشخص غنی‌سازی و بازفروزی مواد هسته‌ای را منع می‌کند. تاکنون تنها امارات متحده عربی و تایوان به محدودیت‌های «استاندارد طلایی» تن داده‌اند. بر اساس این استاندارد کشورها متعهد می‌شوند که به جای تولید سوخت، سوخت هسته‌ای را وارد کنند و اجازه بازرسی‌های بین‌المللی از برنامه هسته‌ای‌شان بدهند.

خبر توافق مقدماتی هسته‌ای میان ریاض و واشنگتن درست فردای روزی اعلام شد که مقام‌های آمریکا و ایران در عمان برای کاهش تنش‌ها در خصوص برنامه هسته‌ای ایران گفت‌وگو کردند. نقلی عمومی این بود که سخنان وزیر انرژی آمریکا بخشی از چارچوب گسترده‌تر دیپلماسی آمریکا است. اینکه موضوع مذاکرات هسته‌ای ایران و توافق هسته‌ای با عربستان سعودی در یک چارچوب دیده شوند، عجیب نیست. مقام‌های آمریکایی قطعاً بدون تردید سخنان محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی را در خاطر دارند که سال ۲۰۱۸ گفته بود: «اگر ایران سلاح هسته‌ای بسازد، ما هم در نخستین فرصت همین کار را خواهیم کرد.» گزارش‌ها حاکی از این است که عربستان سعودی هم یک برنامه غنی‌سازی هسته‌ای نوپا دارد. در عین حال گزارش شده است که همکاری در فناوری هسته‌ای با آمریکا یکی از مطالبات عربستان سعودی در مذاکرات برای عادی‌سازی روابط ریاض با اسرائیل بود.

اما «مسیر» همکاری هسته‌ای آمریکا و عربستان سعودی، به جز جنگ غزه و مذاکرات ایران با چالش‌های دیگری هم در آینده مواجه خواهد بود. هر چند فناوری هسته‌ای آمریکایی به صورت گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما آمریکا دیگر به صورت فعال در حال صادرات نیروگاه‌های هسته‌ای نیست و حتی تاسیسات غنی‌سازی داخلی آمریکا هم در حال حاضر توسط یک کنسرسیوم اروپایی اداره می‌شود. دانشمندان آمریکایی در حال حاضر روی «راکتورهای کوچک مدولار» (SMR) کار می‌کنند که یک فناوری پیشرفته و جدید است که می‌تواند برای آب‌شیرین‌کن‌ها و تولید انرژی در خاورمیانه کاربرد داشته باشد اما نخستین موج از اس. ام. آرهای آمریکایی هنوز تحت بررسی برای صدور مجوز عملیات هستند و معلوم نیست تا «اواخر دهه ۲۰۲۰ یا اوایل دهه ۲۰۳۰» امکان فروش آنها وجود داشته باشد. در حال حاضر فقط روسیه و چین از راکتورهای کوچک مدولار عملیاتی استفاده می‌کنند.

آمریکایی‌ها می‌دانند که اگر قرار به امضای یک قرارداد ۱۲۳ با عربستان سعودی باشد، سعودی‌ها بر حق خود مبنی بر غنی‌سازی اورانیوم در خاکشان پافشاری خواهند کرد. به نظر می‌رسد حتی بر اساس مواد توافقنامه ۱۲۳ که سال ۲۰۰۹ با امارات متحده عربی برای واردات راکتورهای هسته‌ای از کره جنوبی امضا شد که فناوری آمریکایی در آنها به کار رفته بود، به امارات اجازه داده شده است در صورتی که حق غنی‌سازی اورانیوم به کشوری در منطقه داده شد، به امارات هم این حق داده شود. به علاوه هیچ چیز جلوی یک کشور طرف توافق با آمریکا را نمی‌گیرد که بعد از دریافت کامل فناوری هسته‌ای از آمریکا، از توافق ۱۲۳ خارج شود. سفر ماه آینده دونالد ترامپ به منطقه با تمرکز بر تجارت و کسب و کار صورت می‌گیرد و ترامپ به هیچ وجه قصد ندارد اختلافات در مورد توافق هسته‌ای این سفر را تحت تأثیر قرار دهد.